خراسان رضوی

صفحه آخر

دوشنبه
۸ خرداد ۱۳۹۶
۳ رمضان ۱۴۳۸
۸ صفحه/شماره ۳۵۷۷

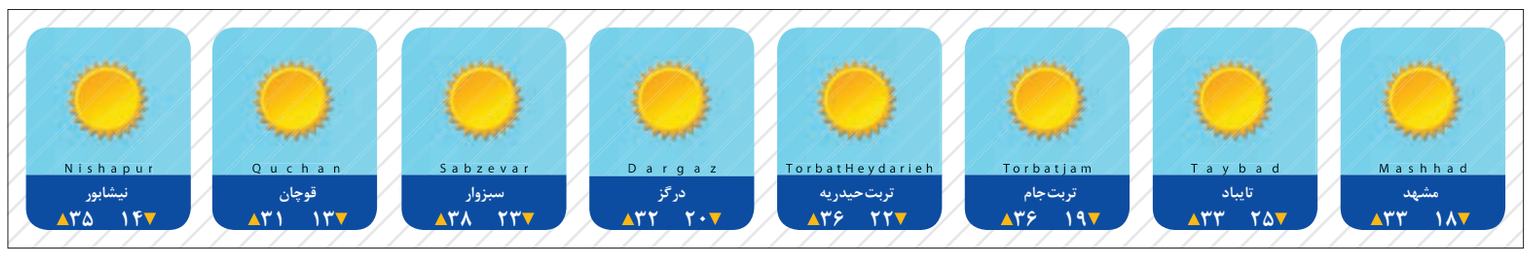

روزنامه خراسان رضوی:
رتبه یک نشریات استانی

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید صادقی
صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱

نمابر دبیرخانه: ۰۵۱۳۷۶۲۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱۳۷۰۱۰
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱۳۷۶۲۶۵۰۱

حکمت روز

امام علی (ع)

هر کس در انتخاب برادران (دوستان) امتحان را مقدم ندارد، فریب خوردگی او را به مصاحبت با بدکاران می کشاند.

تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۴۱۶، ح ۹۴۹۵

مناجات

خواجه عبدا... انصاری

الهی!
روزگاری تو را می جستم خود را می یافتم
اکنون خود را می جویم و تو را می یابم
الهی تا از مهر تو اثر آمد، دیگر مهر ما به سر آمد
الهی
ای مهربان فریادرس، عزیز آن کس که او با تو یک نفس
نفسی که آن را حجاب ناید از پس...

شاعران خراسان قدیم

خراسان به روایت خراسان

۸ خرداد ۱۳۴۳

مار سر جلسه امتحان حاضر شده بود

۵۳ سال پیش در چنین روزی، روزنامه «خراسان» نوشت:
به طوری که خبرنگار ما گزارش داد، در جلسه امتحان یک دبیرستان، هنگامی که دانش آموزان سرگرم پُر کردن اوراق امتحانی بودند، ناگهان سر و صدای تعداد زیادی گنجشک در گوشه سالن توجه ممتحن و دانش آموزان را به خود جلب کرده است.
وقتی ممتحن برای راندن گنجشک‌ها و خواباندن سر و صدا به گوشه سالن رفت، مار بزرگی به طول یک متر و نیم را مشاهده کرد که در کمال خونسردی مشغول شکار گنجشک است. ممتحن وحشت‌زده از پنجره خود را به خارج انداخت و به دنبال او دانش آموزان هراسان به حیاط گریختند.
سرانجام چند نفر از دانش آموزان به کمک ممتحن با سنگ و چوب به مار حمله کردند و پس از یک ربع مبارزه او را کشته و با کشته شدن او، دانش آموزان مجددا به کلاس بازگشتند.

سرانجام سارقین ساعت سازی

روز دوشنبه گذشته بین ساعت ۱۲ تا ۳ بعد از ظهر، سارقین به یک مغازه ساعت سازی در مشهد دستبرد زدند و تعداد زیادی ساعت را به سرقت بردند.
جریان به اداره آگاهی اطلاع داده شد و بنا به دستور رئیس آگاهی، دستگیری سارقین به شعبه چهارم محول شد.
مامورین شعبه ۴ آگاهی پس از یک سلسله تحقیقات، اولین برگه سرقت را که یک ساعت قیمتی بود، کشف کردند. سارقین ساعت مزبور را در چهارشنبه بازار فروخته بودند. در تحقیقات بعدی دو عدد ساعت دیگر هم از داخل خرابه ای واقع در کوچه آب میرزا و تپل محله کشف شد که سارقین پس از ارتکاب سرقت و در هنگام فرار چون قیمت آن ها را ناچیز یافته بودند، به داخل خرابه ای پرت کرده بودند.
تحقیقات برای شناخته شدن سارقین ادامه یافت تا اینکه روز گذشته سارقین مزبور به اسامی کریم ورجب دستگیر شدند. نامبردگان از سارقین سابقه دار می باشند که ابتدا از اظهار حقیقت خودداری کردند اما بعد ایکی از آن ها به ارتکاب سرقت اعتراف کرد و محل پنهان کردن ساعت‌ها را نشان داد.
ساعت های مسروقه که از داخل گودالی واقع در قبرستان کهنه پایین خیابان بیرون آورده شد، در ادامه به صاحبش مسترد گردید و سارقین تحویل دادسرا شدند.

چون ماما نبود، زن جوان دیگری مُرد

به علت نبودن ماما، در یکی از قریه های مه ولات زن جوانی به نام مبارکه در اثر مریضی از بین رفت.
از این زن دو بچه چهار و دوساله باقی مانده است. شوهرش در حالی که به شدت ناراحت بود و گریه می کرد اظهار داشت: بضاعت مالی نداریم و بایستی جهت کار صبح از خانه بیرون بروم تا شب بتوانم با درآمدی که به دست می آورم مخارج زندگی ام را تامین کنم ولی حالا بایستی این بچه های کوچک را نگهداری نمایم و نمی دانم مخارج زندگی ام از کجا تامین خواهد شد. از مقامات مربوطه تقاضای کمک می کنم.

نمای تاریخی

تصویری از بست پایین خیابان مشهد - ۱۳۲۰

حرف توی حرف

صالحی

گفت‌وگو با علیرضا آذر؛ شاعر و ترانه‌سرای معاصر

شاعر باید به زبان مردم سخن بگوید

از روی کتاب، مصرعی را انتخاب می کند با فراز و فرودهای خاص دکلمه می‌خواند: «شعر و شاعری و عاشقی پیشه اوست...»
علیرضا آذر، با گذر ۱۰ سال از ورودش به عالم حرفه‌ای هنر، آثار موفقی را خلق کرده است که بر دل مخاطبان نشسته‌اند و از جمله آن می‌توان به چهار مجموعه شعر «اسمش همین است»، «آتایا»، «اثر انگشت» و ترانه «آریان» اشاره کرد.
وی معتقد است که شاعر اگر به زبان مردم سخن بگوید، آن را می‌پذیرند، اما این به معنای سرودن شعر سطحی نیست و شاعر با شعر خوب می‌تواند مخاطبان را ژرف‌اندیش کند.
این شاعر و ترانه‌سرای جوان برای حضور در مراسم امضای آثارش سفری به مشهد داشت که همین بهانه گفت‌وگوی ما با او شد:

ماجراهای شور شاعرانگی

۳۷ سال پیش، اولین فرزند خانواده آذر در محله قلمستان پایتخت به دنیا آمد. پدربزرگش اهل مشهد بود و طبعی شاعرانه داشت. این وسط پدرش، آموزگاری سخت‌گیر در تربیت فرزندان بود و از قافیه‌ها و ردیف‌ها دوری می‌کرد. خودش هم تا ۱۲ سالگی، تمایلی به نوشتن یا سرایش نشان نمی‌داد. حتی مادرش با مهارتی خاص انشاهایش را می‌نوشت، طوری که معلمان شک نمی‌کردند کار علیرضا نیست.
او از اولین گام‌های قدم نهادن در این راه پر فراز و فرود چنین می‌گوید: به رغم مخالفت‌های پدر، اولین کسی که به صورت اتفاقی، مشوقی برای نوشتن، واکاوی و کشف و شهود در ذهنم شد، خود او بود. در یکی از تعطیلات تابستان، دفتری تهیه کرد و بر بالای هر صفحه چند عنوان را برای نگارش انشا یادداشت کرد. «چرا مردود شدم؟!»، یکی از همین موضوعات پیشنهادی بود که باعث بیدار شدن توان قلمم شد.
این هنرمند ترانه‌سرا، به شرح ماوقع شکوفایی استعدادش در سال‌های بعد از آن می‌پردازد: «از آن به بعد، همواره حاشیه کتاب‌هایم پر از دلنوشته‌ها و حاشیه‌نویسی بود. اما معلم ادبیات مدرسه هم سهمی در شکل دادن به دنیای شاعرانگی من داشت. روزی به جای انشا، یکی از حاشیه‌هایی را که بر کتابی نوشته بودم برای معلم خواندم و حسابی مورد تشویق قرار گرفتم.»
آقای معلم به علیرضای نوجوان می گوید: «می دانستی چیزی شبیه غزل نوشته‌ای؟» همین تلنگری می‌شود در ذهن او که شاید سر سوزن ذوقی در این حوزه داشته باشد. معلم به احترام این استعداد، بعد از مدرسه برایش کلاس خصوصی آموزش اوزان و عروض و قافیه می گذارد و پایه ادبی وی را شکل می‌دهد؛ «اولین ابیاتم در نشریه چهارشنبه‌های کرج به چاپ رسید.» او ادامه می‌دهد: آرام آرام با جریان‌های ادبی آشنا شدم و شعرم هویت مستقلی یافت. تازه بعد از ازدواج، شعر را جدی گرفتم. به بیان بهتر طیف دهه هفتاد کرج مرا با شعر آشناتر و مانوس‌تر کرد. بعد از مدتی به دلیل زد و بندهای رفتاری عده‌ای، از شعر کرج خداحافظی کردم.
از آنجایی که به کتاب و نوشته‌ها در این دوران کمتر اقبال نشان داده می شد، آذر برای نشر آثارش به «دکلمه» آن‌ها روی آورد و توانست در این کار مورد توجه مخاطبان واقع شود.
خودش درباره این انتخاب می گوید: با دکلمه‌خوانی دنیای جدیدی را تجربه کردم و مخاطب برایم مهم شد و در سن ۳۷ سالگی دوست دارم، بنویسم، بشنوند و تشویقم کنند.

آغاز آذر تا امروز

برای نخستین بار از سال ۱۳۸۵، مجموعه ترانه‌های «تومور ۱» آذر با هنرنمایی خوانندگانی همچون محمد اصفهانی، امیر تاجیک، رضا صادقی، علی بابایی و رضا کشاورز راهی بازار می‌شود. از سال ۱۳۸۹ نیز با مجموعه «آریان»، ترانه‌سرایی برایش جدی می‌شود و از آن به بعد، آثار پُرطرفداری مانند تیتراژ پایانی سریال ستایش را می‌سراید. برنامه آینده هنری علیرضا آذر، رونمایی از آلبوم ترانه‌های وی در مردادماه سال جاری در تهران و سپس با اندکی فاصله در چند شهرستان کشور از جمله مشهد خواهد بود. اثری که در تهیه آن هنرمندان مطرح عرصه خوانندگی کشور مشارکت داشته‌اند.
وی همچنین با اعلام این خبر که در حال آماده‌سازی دو مجموعه کلاسیک و ترانه برای نمایشگاه سال آینده کتاب تهران است، می افزاید: مجموعه‌ای را با همکاری یکی از دوستانم برای کشف استعدادهای خوانندگی دایر کردم و بر آن هستم تا اشعار خودم را با آهنگسازی و تنظیم افراد مستعدی از همه شهرستان‌ها تهیه و منتشر کنم. آذر با اشاره به دیگر ابعاد زندگی خود بیان می کند: از آنجا که دانشگاه رفتنم از سر اجبار بود، تا ترم چهارم رشته مهندسی کنترل کیفی صنایع خودرو بیشتر نخواندم و درس را نیمه کاره‌ها کردم. البته اکنون تمایل دارم تا در رشته روانشناسی ادامه تحصیل دهم.
با همه این احوال، او این روزها به مدیریت مجموعه‌ای فرهنگی-هنری مشغول است. آذر، شاعرانی همچون حافظ، سعدی، صائب، فروغ، سلمان هراتی و قیصر را دوست دارد و قالب‌های شعری مورد علاقه وی؛ مثنوی، غزل، شعر سپید و چهارپاره است. او به دیگر علایق هنری خود اشاره و خاطرنشان می‌کند: از ۱۲ سالگی بدون استاد، قلم درشت در دست داشتم و کم و بیش نقاشی و رنگ و روغن هم کار می‌کردم. حتی ۱۰ سال در حوزه هنرهای نمایشی با هنرمندان مطرحی از جمله مرحوم حسین پناهی مأنوس بودم و روی سِن رفتم. به موسیقی هم از همان دوران جوانی گرایش داشتم البته از آن مجموعه، تنها یک گیتار را حفظ کرده‌ام. وی یکی از موسسان و اعضای انجمن ادبی شعرانه فردوس نیز است. محفلی سه ساله که به تربیت شاعران مستعد جوان همت گماشته و چهره‌های تازه‌ای مانند شهریار نراقی به دنیای ادبیات کشور معرفی کرده است.

شاعر باید به زبان مردم سخن بگوید

به نظر آذر، با اینکه در دهه ۸۰ شاعران خوبی تربیت نکردیم اما با استعدادیابی و پرورش شاعران امروز می‌توان به آینده شعر ایران امیدوار بود تا در دهه آینده با انقلابی در این حوزه روبه‌رو باشیم. وی معتقد است که اگر به زبان مردم سخن بگوییم، آن را می‌پذیرند؛ «البته مردم ما کمتر به لایه‌های زیرین شعر توجه می‌کنند، لذا شعرم را معماگونه و با تعابیر پیچیده نمی‌سرایم تا همگان از روساخت آن برداشت خودشان را بکنند.»
به گفته وی، برای شاعر و نویسنده، مخاطب در اولویت اهمیت قرار دارد و اضافه می‌کند: با وجودی که اعتقادی به نوشتن برای خوشامد مخاطب ندارم، با این حال، باید مخاطب مطلب را بپذیرد و بشنود تا زایش اثر ادبی در پدیدآورنده ادامه پیدا کند. در واقع، مولف و مخاطب، در کنار هم متنی را خلق می‌کنند.
او شعر و شاعری را نیازمند خلوت و شمع و غار تنهایی نمی‌داند و سرایش شعر را از ایمان روح تعبیر می‌کند و می‌گوید: گاهی برخی تصور می‌کنند برای دست به قلم شدن و جاری کردن احساس و اندیشه خود در قالب شعر، باید به گوشه‌ای بخزند تا شعر به آن‌ها الهام شود. در حالی که این گونه نیست، شعر محصول یک لحظه و ساعت خاص نیست؛ گاه اتفاقات و جریانات چند سال از عمر شاعر در قالب یک قطعه و یا چندین بیت ظاهر می‌شود.

مخاطبان را از آثار خود محروم نکنیم

این هنرمند مطرح کشور با بیان مشکل امروز عرصه ادبیات، اذعان می‌کند: شعر و ادبیات ما با آفت پوچ‌انگاری روبه‌رو شده است؛ چیزی که بارها درباره‌اش بحث شده و مخاطب بین المللی هم با پس زدن آن، نشان داده که پذیرای چنین نگاهی نیست اما با وجود این ما آن را دوباره به چرخه مصرف ادبی‌مان وارد کرده‌ایم. آن‌ها که به فرجام هیچ چیز اعتقادی ندارند، پس درباره چه معنا و مفهومی می‌نویسند. آدم شعرهای من، هر روز تراش می‌خورد و رشد می‌کند.
وی با اشاره به موضوع سانسور آثار و نیز خودسانسوری می‌گوید: برخی از شاعران، به دلیل حذف بخشی از اشعارشان، کل کار را منتشر نمی‌کنند. من معتقدم، بابت قلمزدن قسمتی از آثارم نباید مخاطب را از همه اثرم محروم کنم. نباید با انتقاد و اعتراض‌های بی‌مورد خودمان را از مسیر اصلی فرهنگ‌سازی و مخاطبان‌مان دور سازیم و فضای کار کردن برای دیگر هنرمندان را در این عرصه سخت کنیم.

یادداشت

مصطفی آب روشن

عضو انجمن جامعه‌شناسی ایران

ضرورت پرهیز از رویکرد سیاسی در حل معضل حاشیه‌نشینی در ایران

حاشیه‌نشینی یکی از معضلات اجتماعی امروز کلان شهرهای ماست. این معضل نماد و انعکاس زندگی اقشاری از جامعه است که به رغم سکونت در کنار جوامع شهری، از نظر سطح زندگی و بهره‌گیری از مزایای شهری در شرایط نابسامانی به سر می‌برند. ترکیب جمعیتی حاشیه‌نشینان را بیشتر افراد مهاجر و روستاییان تشکیل می‌دهند. این پدیده که پیامد نادیده انگاری و نابرابری‌های اجتماعی است، در طی زمان و در روند تحولات تاریخی ایجاد شده که مبتنی بر تقسیم جامعه به دو بخش متن و حاشیه است.
در واقع حاشیه‌نشینی همزمان با توسعه شهرها در ایران به وجود آمده است و به نظر می‌رسد شروع این پدیده به اوایل دهه ۴۰ بر می‌گردد. این پدیده را می‌توان به عنوان بحرانی‌ترین مسئله اجتماعی در کلان شهرها تلقی کرد، چرا که خلاف جریان توسعه منطقی شهر شکل گرفته است و می‌تواند بسترساز آسیب‌های متعددی باشد. به طور قطع در ساختاری که چارچوب‌های قانونی توسعه در آن مورد توجه نبوده است، نمی‌توان اصلاح و ارتقا را در کوتاه مدت متصور بود.
ریشه معضل حاشیه نشینی از آنجا شروع می شود که اقشاری از جامعه از داشتن پایگاه اقتصادی شایسته محروم می‌مانند و از رقابت‌های اجتماعی طرد می‌شوند. اما شاید مهم‌ترین مسئله‌ای که در کشور ما به این پدیده دامن زده است، موضوع مهاجرت باشد. حاشیه‌نشینان به دلایل محدودیت‌هایشان کمتر جذب نظام اقتصادی و اجتماعی می‌شوند. در حال حاضر بیش از ۱۳ میلیون حاشیه نشین در ایران وجود دارد که به علت ضعف فرهنگی و نبود سیستم‌هایی که به توانمندسازی ساکنان این بافت‌ها می انجامد، به شکل بی ضابطه ای بر جمعیت آنان افزوده شده است که همین مسئله تبعات فراوانی را به جامعه تحمیل کرده است چه از منظر اجتماعی چه مقولات فرهنگی و اقتصادی و حتی امنیتی.
اما این سوال مطرح می‌شود که چرا در دوره‌های مختلف بر حجم حاشیه‌نشینی در کلانشهرها افزوده شده است، آن هم به رغم آنکه «حاشیه‌ها» تامین کننده نیاز مهاجران و ساکنانشان نبوده‌اند. نخستین عامل؛ رشد جمعیت بدون ایجاد زمینه‌های لازم است. دومین مولفه تمرکزگرایی و یا توزیع نامتناسب امکانات و جاذبه‌های زندگی در سطح کشور است. ناگفته نماند که نبود حمایت‌های شایسته از مشاغل بومی در روستاها و شهرهای کوچک نیز از عوامل اجتماعی و اقتصادی تشدید مهاجرت و حاشیه نشینی به شمار می‌آید.
افراد حاشیه نشین از امکانات آموزشی و بهداشتی مطلوب و فرصت‌های اشتغال برابر بی بهره‌اند، در واقع شرایط نامناسب فیزیکی و معیشت غیر استاندارد باعث شکاف عمیق طبقاتی در این قسمت از جامعه شده است.
باید پذیرفت، رشد بخشی از آسیب‌های اجتماعی در کلانشهرهایی مثل مشهد، ناشی از بی توجهی به توسعه حاشیه آن در دهه‌های گذشته است. متاسفانه اراده برای مهار حاشیه‌نشینی همچنان به قواره سرعت رشد آن نیست و مسئولان اراده ضعیفی در رابطه با ایجاد اشتغال و خشکاندن ریشه فقر در این بافت‌ها دارند و آنچه که تاکنون از سوی نهادهای متولی انجام‌پذیرفته، عمدتا اقداماتی سطحی و نمایشی بوده است.
در سطح جهان، در رابطه با مداخلات بهبودگرایانه در جوامع حاشیه‌نشین، در حال حاضر بحث توانمندسازی افراد و ورود اجتماعی به این مناطق مطرح است؛ بدین ترتیب که با مداخلات از جنس مددکاری اجتماعی، ابتدا ساخت اجتماعی این جوامع را به عنوان یک عامل میانجی بین اقتصاد و فرهنگ اصلاح می‌کند. البته که پدیده حاشیه‌نشینی در سطح کلان خود با این گونه مداخله‌های اجتماعی حل نمی‌شود. برای جلوگیری از حاشیه‌نشینی در سطح کلان نیز دو راهبرد سلبی و ایجابی مطرح می‌شود: افزایش هزینه زندگی در مرکز برای جلوگیری از امکان‌پذیری مهاجرت و اسکان در حاشیه شهرها و دیگر، بهبود فرآیند توزیع منابع و تقویت سطح زندگی در پیرامون.
متاسفانه مدیریت شهری به خصوص در کلان شهرها رویکردی سیاسی به مسائل اجتماعی داشته و با این بهانه که حاشیه نشینی زاییده مسائل اجتماعی - اقتصادی و فقدان امکانات رفاهی در سطح کلان است، مسئولیت خود را نسبت به ارائه خدمت شایسته به این گروه‌های محروم اجتماعی نادیده می‌گیرد و بدین ترتیب از خودش سلب مسئولیت می‌کند اما این رویکرد باعث می‌شود شکاف‌های اجتماعی تشدید و بحران‌ها جدی‌تر شود.
به نظر می‌رسد این پدیده باید به شکل چند بعدی مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد زیرا فقر و نبود رفاه اجتماعی این معضل را به وجود می‌آورد و از سوی دیگر نادیده انگاری مدیریت شهری به شکل فزاینده‌ای به این وضعیت نابسامان، دامن می‌زند. در واقع بخش بزرگی از معضل یاد شده به ضعف عملکرد مدیریت‌های شهری برمی‌گردد، چون نه در مهار توسعه حاشیه موفق عمل می‌کنند و نه در توزیع امکانات برای این بافت برنامه‌ای دارند و باعث ایجاد نوعی بلاتکلیفی برای ساکنان آن می‌شوند.
در پایان توصیه می‌شود برای حل این پدیده دشوار و پُردامنه، از رویکرد سیاسی به شدت پرهیز شود و با اتخاذ تصمیمات و اقدامات اجتماعی و فرهنگی، جریانی منسجم شکل بگیرد که نیت آن ساماندهی مستمر و قطعی حاشیه‌نشینی در ایران باشد.

مشهد # Mashhad

شهر و استان در شبکه‌های اجتماعی

علی انصاریان بازیکن سابق پرسپولیس این عکس را از جوار حرم رضوی منتشر کرد.

طبیعت روستای شیر تپه در کنار رود تجن

جهانی آن چیست!
و مردم خوزستان و ما مردمی که دلمان برای خوزستان می‌تپد، مشخصا بدانیم وظیفه دولت و وظیفه ما به عنوان نیروهای مردمی چیست! از آلودگی هوای خوزستان صدای بازیگر مشهور سینما و تلویزیون را هم درآورد.
رضا کیانیان بازیگر سینما و تلویزیون در صفحه اینستاگرام خود با انتشار عکسی که نشان‌دهنده شدت آلودگی هوای استان خوزستان است از مسئولان خواست برای پاکسازی هوای خوزستان اقدامات لازم را انجام دهند.
وی در دفاع از مردم خوزستان به دلیل تحمل هوایی چنین نفسگیر نوشت: ساماندهی هوای خوزستان و کنترل ریزگردها باید از اولویت‌های دولت باشد؛ هر دولتی که می‌آمد این وظیفه بر دوش او سنگینی می‌کرد، همچنان که اینک بر دوش دولت روحانی است.
خیلی خوب است که بالاخره دولت واضح و روشن بگوید این مشکل از کجاست و راه حل داخلی و همه کسانی که دلشان برای مردم خوزستان می‌تپد، خواهش می‌کنم کنار ننشینند و برای رفع این معضل ملی به میدان بیایند.
از نامزدهای احتمالی آینده و هر کسی که قدرتی دارد و دلش برای ایران می‌تپد خواهش می‌کنم که کنار ننشینید. چهار سال دیگر دوباره باید پای صندوق‌های رأی بیاییم. از هم اکنون بدانیم چه کسی برنامه بهتری برای یاری رساندن به مردم و به خصوص مردم خوزستان دارد.
هشتگ «#چند_میلیون_پرسشگر» و «#عزم_ملی_برای_نجات_خوزستان» دو نمونه از هشتگ‌هایی است که وی در پایان این پست درج کرده است و به این ترتیب خواستار راه‌اندازی پویش همگانی برای رهایی مردم خوزستان از تنفس هوای آلوده شده است.